به احترام کودکان کار که به دلیل شرایط سخت اقتصادی خانواده های خود، از آغاز سن کودکی ناگزیر به کار کردن بوده و حتی به واسطه این شرایط در معرض ناهنجاری های اجتماعی قرار گرفته و کودکی و نوجوانی آنان پژمرده می شود. و به یاد کودکان افغان که به دلایل مشابه و یا در اثر جزم گرایی طالبانی از فراگیری دانش برای رشد و شکوفایی انسانی باز می مانند.

**حق آموزش، توانمندسازی، و توسعه انسانی**

دکتر محمود مسائلی

**حق آموزش، توانمندسازی، و توسعه انسانی**

**ایران آکادمیا به عنوان یک مدلی برای توسعه انسانی**

**دکتر محمود مسائلی**

به احترام کودکان کار که به دلیل شرایط سخت اقتصادی خانواده های خود، از آغاز سن کودکی ناگزیر به کار کردن بوده و حتی به واسطه این شرایط در معرض ناهنجاری های اجتماعی قرار گرفته و کودکی و نوجوانی آنان پژمرده می شود. و به یاد کودکان افغان که به دلایل مشابه و یا در اثر جزم گرایی طالبانی از فراگیری دانش برای رشد و شکوفایی انسانی باز می مانند.

پرسش: آیا حق آموزش به عنوان حقوق بشر در ذات خود دارای ارزش است یا اینکه احترام و پیشبرد این حق می تواند ویژگی های مهمتری به زندگی انسانها اعطا کند؟

**طرح موضوع**

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ٢۶ به روشنی تصریح می دارد که "آموزش حق همگان است". بنابراین همانند دیگر مقوله های حقوق بشر، احترام به آن، پیشبرد، و نیز اجرای آن در ردیف مهمترین وظایف جامعه بین المللی دولتها قرار دارد. افزون براین، دولتها باید هرنوع مانعی که ممکن است بازدارنده توانایی افراد بر استفاده از این حق می باشد را از سر راه برداشته و آحاد ملت را بدون هر نوع تبعیضی با آموزش فراخوانند. در ادامه همان ماده، اعلامیه اذعان می دارد که آموزش و پرورش می‌بایست در جهت رشد همه جانبهٔ شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قرار گرفته باشد. کمیته ناظر بر اجرای مقاوله نامه بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نیز با تعریف چارچوبه ای اجرایی تعهدات کشورها را نسبت به حق بنیادین افراد به آموزش در چهار مقوله به شرح زیر تصریح و به اجرای آن متعهد نموده است:

١- در دسترس قرار دادن نهادهای آموزشی و امکانات مرتبط با آن شامل ساختمان ها، امکانات بهداشتی برای هرنوع جنسیتی (بدون تبعیض)، آب آشامیدنی سالم، معلمان آموزش دیده با حقوق و دستمزد های کافی، و مواد آموزشی

٢ - موسسات آموزشی بدور از هرنوع تبعیضی، هم به لحاظ قانونی و هم بطور عملی، باید در دسترس همگان باشد.

٣- هم فرم و هم محتوای آموزش و پرورش باید نه تنها برای دانش آموز و والدین قابل قبول باشد، از همه مهمتر باید محتوی و فرم آموزش با نیازهای فرهنگی ارتباط نزدیک داشته و دارای کیفیت متناسب باشد

۴- آموزش باید انعطاف پذیر بوده و در پاسخگویی به نیازهای دانش آموزان در محیط های اجتماعی و فرهنگی مختلف انطباق داشته باشد.

۵- با از میان برداشتن تبعیض از همه سطوح آموزشی، باید فضای مناسب برای انتخاب را برای همگان فراهم آورد.[[1]](#footnote-1)

مقاوله نامه حقوق کودک نیز با در نظر داشتن اهمیت آموزش برای رشد و شکوفایی شخصیت انسانی تصریح ما دارد که آموزش و پرورش کودک باید به توسعه شخصیت، استعدادها و توانایی های ذهنی و جسمی کودک و به حداکثر رساندن توانایی های بالقوه او معطوف باشد.[[2]](#footnote-2) اینگونه عطف توجه به شکوفایی شخصیت انسانی در ایجاد تعهداتی برای دولتها در اسناد آموزشی بین المللی دیگری نیز یافت می شود. به عنوان مثال انجمن جهانی آموزش و پرورش در سال ۲٠٠٠ این حقیقت را پذیرفته است که هدف از آموزش و پرورش توسعه نیازهای بالقوه هر فرد برای کسب مهارت های لازم برای هدایت آگاهانه و آزادانه زندگی است. برای پیشبرد این امر باید ساز و کارهای لازم، انگیزش ها، و روشهای متناسب با آن فراهم آید تا بتوان نگرش ها و رفتارها را فرم بخشیده و به سوی تعالی اندیشه و شکوفایی انسان سوق داد. این تکیه بر شکوفایی انسانی تاکید مجدودی است بر آموزش یه عنوان یک حق بشری همانطور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است.

جامعه بین المللی نیز بویژه حداقل از سال ۲٠٠٠ میلادی نه تنها آموزش را در صدر اهداف دهه هزاره قرار داده، از همه مهمتر توجه خاصی را به مفهوم رشد شخصیت انسانی مبذول داشته است. ماده ٢ اعلامیه دهه هزاره و سپس ماده ۴ اهداف توسعه پایدار اهمیت آموزش را در توسعه و بهزیستی ملتها و نقش آن در همزیستی مسالمت آمیز و مسئولانه جهانی مورد توجه قرار داده اند. در واقع نوعی اجماع جهانی شکل گرفته است که آموزش را ابزاری ضروری برای توانمندسازی مردم برای انتخاب گزینه ها، و مشارکت در تصمیم گیری های مربوط به حیات انسانی می داند. علاوه بر اجماعی که توسط بدنه های مختلف سازمان ملل متحد بوجود آمده، سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه نیز توضیح می دهد که همه کشورها صرفنظر از توانایی و ثروت ملی خود باید بتوانند از آموزش بیشتر و بهتر استفاده ببرند تا بتوانند رفاه بیشتر و بهتری برای مردم خود فراهم آورند. برای دستیابی به این ایده آل، آموزش باید با توسعه اندیشه های انتقادی، توانایی حل مشکلات، بسط خلاقیت، و مهارتهای کامپیوتری همراه باشد. همه مردم صرفنظر از سن و سال و جایگاه اجتماعی خود باید با اینگونه توانایی های مهارتی دانش-محور بویژه تکنولوژی های ارتباطی نوین آشنا بشوند تا بتوانند نه تنها در مواجه با معضلات ناخوانده مسیر حیات خویش را در سمت و سوی صحیح هدایت نمایند، بلکه به عنوان عاملان تغییر اجتماعی مدل های اصیل توسعه یافتگی خود را نیز تعریف نموده و به اجرا درآورند. درواقع اجماع جهانی با در نظر داشتن اهمیت آموزش برای توانمند سازی مردم برای انتخاب ، نقش دولتها در عملی سازی اینگونه آرزو های انسانی اجتناب ناپذیر می داند. در اجرای تعهدات خویش دولتها باید روابط نزدیکی را با اتحادیه های حرفه ای معلمان، انجمنهای خانه و مدرسه، نهادهای جامعه مدنی، و حتی بخش خصوصی بوجود آورده تا بتواند در دستیابی به نگرش ها و شیوه های سازنده برای پیشبرد کیفیت آموزش با هدف توانمند سازی مردم کمک نماید. لذا همکاری و مشارکت نزدیک و سازنده با همه نیروهای تاثیر گذار بر آموزش را باید در دستور کار همه دولتها قرار گیرد.

تاکید بر نقش آموزش در ارتقاء آزادی ،توانمندی، و توسعه انسانی این ضرورت را مطرح می نماید که به سوی جهت گیری های نوینی در رابطه توجه داشته و ابعاد آنرا فراتر صرف تاکید بر آموزش به عنوان یک حق بشری مورد توجه قرار داد. درواقع، آموزش صرفا به معنی حضور دانش آموز و یا دانشجو و حتی محقق در کتابخانه ها نیست. نرخ بالای تحصیلات و نیز مدارک تحصیلی نیز نمی تواند ضرورتا روح داعیه آموزش به عنوان یک حق بشری را ادا نماید. بلکه آموزش به سمت تامین نیازهای توسعه و اشتیاق افراد، توانایی آنها در تفکر انتقادی، ایجاد احترام به نفس و احترام به دیگران رهنمون شده و مسیر آینده جوامع را از نقطه نظر تامین نیازهای زندگی همراه با تعالی انسانی برنامه ریزی کند. پس صرف دانش و دانش آموختگی بازتاب دهنده روح و عصاره حق انسانها به آموزش نیست. بلکه باید با حداکثر رساندن توان بالقوه مردم آنان را بگونه ای توانمند سازد تا بتوانند کنترل امور خویش را آنگونه که می خواهند به دست گرفته و به طور موثر با خواسته ها و چالش های زندگی روزمره به گونه ای سازنده برخورد نمایند. به همین دلیل آموزش به عنوان ابزاری برای توانمندسازی و بهبود مهارت های زندگی به تدریج به عنوان رویکردی جامع برای ارتقای کیفیت زندگی در نظر گرفته می شود. روش های آموزش نیز بویژه آنانی که برای توسعه دیدگاه های انتقادی و ارتقای مهارت های ذهنی طراحی می شوند، مشارکت، تساهل، و تعامل را در افزایش بهره وری بیشتر با فضایی همکارانه و دوستانه توسعه می دهد.

با این وصف نقش آموزش و کیفیت آن در جهت توانمندسازی و رشد همه جانبه شخصیت انسانی به عنوان محور اصلی توسعه همه جانبه کمتر مورد توجه تحقیقات اجتماعی بوده است. در واقع به درستی مشخص نیست که منظور از رشد همه جانبه شخصیت انسان چیست و چگونه آموزش می تواند زمینه های تحقق آنرا فراهم آورد. این نوشتار کوتاه در ابتدا یکی از راه های حصول به رشد شخصیت انسانی را از طریق توجه به مفهوم توسعه انسانی بطور اجمال مورد توجه قرار داده و سپس توضیح می دهد که دانشگاه از راه دور ایران آکادمیا چگونه توانسته است از طریق آموزشهای علوم اجتماعی گام هایی را در جهت توانمند سازی، توسعه انسانی، و رشد و شکوفایی شخصیت انسان ها بردارد.

**توسعه انسانی ضرورت رشد و شکوفایی**

محبوب الحق کارشناس ارشد اسبق بانک جهانی، و سپس وزیر دارایی پاکستان، در دهه هشتاد میلادی مفهوم توسعه انسانی را به عنوان شرط ضروری توانمندی و شکوفایی وارد ادبیات مطالعات توسعه و رفاه انسانی نمود. سپس در کتابی که با عنوان "تاملی بر توسعه انسانی" در سال 1995 به چاپ رساند[[3]](#footnote-3)، این اندیشه بدیع را مطرح ساخت که هدف اصلی توسعه باید معطوف به بسط و توسعه انتخاب آزادانه انسانها باشد. در اصل، انتخاب ها و گزینه ها می توانند بی نهایت بوده در طول زمان تغییر یابند. بنابراین توسعه یافتگی به معنی توانمندساختن مردم برای برخورداری از آزادی های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی و حس مشارکت در فعالیت های اجتماعی می باشد. توسعه زمانی مفهوم واقعی خود را به معرض نمایش می گذارد که بتواند محیطی کارآمد برای مردم برای لذت بردن از زندگی طولانی، سالم، و خلاق فراهم آورد. طبق ویژگی های توسعه انسانی، معیارهای جاری نمی تواند به پیشرفت انسانی برای رسیدن به هدف واقعی توسعه و بهبود زندگی مردم کمک نماید. همچنین نمی توان مفهوم توسعه یافتگی را به طور خاص با سنجش پیشرفت اقتصادی، انبوه ثروت، و یا درآمد ناخالص ملی اندازه گیری کرد. بلکه پیام اصلی برای رویکرد توسعه باید بر محوریت توسعه انسانی و مفهوم توانایی در انتخاب آزاد – یعنی آنگونه که مردم می خواهد خود را توضیح دهند و آنچه که می توانند انجام دهند – قرار گیرد. یعنی مردم باید از حق آزاد برخوردار باشند تا فلسفه حیات خویش و آرزوها و همچنین روشهای دستیابی به آنرا تعیین نمایند. عمده اینگونه آرزوها از طریق توانایی های اساسی و آزادانه ابعاد واقعی بخود می گیرد. آرزوهای مردم بطور عمده شامل برخورداری از سلامت – یا برخورداری از سلامت به عنوان یک حق بشری - دسترسی به دانش و استانداردهای مناسب برای زندگی شرافتمندانه، احترام اجتماعی، حق داشتن آرامش و سرگرمی، و طبیعتاً حق دستیابی منصفانه با درآمد و تولید می باشند. به عبارت بهتر، توسعه یک ملت با دستیابی به اینگونه آرزوها معنی پیدا می کند و نه صرف پیشرفت اقتصادی و روبنایی. پس معیار اندازه گیری رفاه انسانی قابلیت برای تصمیم گیری آزادانه می باشد. توسعه یافتگی به معنی برخورداری عینی و عملی از آزادی ها، انتخاب ها، و گزینه ها می باشد.

پروفسور آمارتیا سن، برنده جایزه نوبل در اقتصاد، که سالها دوستی و همکاری علمی با محبوب الحق داشت، این فلسفه حیات را بیشتر توسعه داده و در کتابهای متعددی که به چاپ رسانده است، توضیح می دهد که توسعه یافتگی به معنی توانمند سازی مردم برای انتخاب آزاد می باشد. درواقع برای انتخاب فلسفه حیات و شیوه های دستیابی به آن مردم باید از قابلیت آزاد در تصمیم گیری برخوردار باشند. قابلیت ها توسط تلاشهای خود مردم و در همراهی با نهادها و شرایط اجتماعی گسترش می یابند. با قابلیتهای توسعه یافته و مهارتهای مرتبط با آن مردم می توانند تصویر خویش از زندگی خوب را ترسیم کرده و در جهت اجرای آن بکوشند. زندگی خوبی ان نوع از مفهوم حیات است که بر مبنای انتخاب آزادانه انسان شکل بخود می گیرد. کسانی که از توانایی های ضعیف در عذابند، یعنی آنانی که فرصت استفاده از آزادی های اساسی را ندارند و یا از آن آزادی ها محروم می شوند، هرگز قادر به طراحی مسیر خویش در سمت و سوی زندگی خوب نبوده و نمی توانند از فرصت هایی که فراهم می شوند استفاده برند. بدون برخورداری از قابلیتهای اساسی، استعدادهای نهانی انسانی ناکارآمد باقی مانده و هرگز فرصت شکوفایی پیدا نمی کند.

رهیافت قابلیت که اجزایی از آن به لحاظ فلسفی به بخشهایی از اندیشه های ارسطو، آدام اسمیت، و مارکس پیوند داده می شود، این فرض اصلی را بطور واضح توضیح می دهد که توسعه یافتگی و رفاه باید توسط فرصت های واقعی که برای مردم فراهم است تعریف شوند تا بتواند آنان را در برخورداری از "قابلیت های عملکردی" برخوردار سازد و با اراده خویش نوع زندگی را که دوست دارند دنبال نمایند. طبیعی است که برخورداری از قابلیت از مفاهیم انتزاعی مرتبط با آزادی متفاوت می باشد. به عبارت بهتر، قابلیت یعنی توانایی برای برخورداری عینی از آزادی های اساسی برای انتخاب گزینه های مطلوب در تعریف و اجرای نوع، کیفیت، و ماهیت شیوه زندگی کردن می باشد. لذا رابطه ای مستقیم میان "برخورداری از آزادی"، "کیفیت زندگی" و "توسعه یافتگی" وجود دارد.

تاکید بر قابلیت های مرکزی مردم برای تعریف مختصات حیات خویش به عنوان معیارهای اساسی توسعه انسانی، چند پیام عمیق و قابل تامل را متبادر می سازد:

١- توسعه یافتگی یک ملت ابعادی به مراتب فراتر از پیشرفت اقتصادی دارد. توسعه یافتگی واقعی به شرایطی اطلاق می شود که در آن مفهوم زندگی خوب از طریق بسط و توسعه آزادی های اساس و پیشبرد قابلیتهای مردم برای انتخاب ها تعریف می شود. پس هدف توسعه شکوفایی و اعتلای ارزشهای انسانی است.

٢- دست یابی به چنین ارزشهای متعالی انسان محور مستلزم فرض و اجرای رابطه ای سازنده و متقابل پیش برنده میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و انسانی توسعه است. اساسا توسعه مطلوب مستلزم فرآیندی چند بعدی و چند سانی در متن تغییرات اجتماعی-فرهنگی و سیاسی-اقتصادی می باشد.

٣- هدف نهایی توسعه، رفاه و کمال انسانی و پرورش فضایل فردی و اجتماعی بشری است. پیشرفت اقتصادی فقط پیش شرط و زمینه ساز اهداف متعالی انسانی است. ولی پرورش کمال انسانی به معنی گوشه عزلت گزیدن و بی اعتنایی به نیازهای طبیعی نیست. بلکه هر نوع تلاش برای اعتلای کمال انسانی از مسیر پاسخ گویی موثر به نیازهای مادی و اقتصادی شرافتمندانه عبور می کند.

۴- همه تلاشها باید معطوف شود به پیشبرد قابلیتهای مرکزی برای انتخاب آزاد و مشارکت در تصمیم گیری ها برای تعیین نوع زندگی مورد علاقه مردم. از این نقطه نظر، توسعه را باید به عنوان فرایند گسترش توانایی های مردم برای برخورداری از آزادی های اساسی آنان دانست. همه سیاستگذاری ها باید معطوف شود به توانایی افراد برای انتخاب زندگی که دلیلی برای انتخاب و ارزش گذاری آن دارند.

۵- توسعه یافتگی را نمی توان به دستیابی به منابع و یا دست آوردها محمود نمود چرا که توسعه یافتگی در گرو بسط حیطه ها و اعماق برخورداری از آزادی ها، یعنی ایجاد فضا ها و ساز و کارهایی است که مردم را در انتخاب خویش یاری می سازند. به عبارت ساده تر، توسعه به فقط به معنی دستاورد ها، بلکه بر فضای دمکراتیک مشارکتی استوار است.

٦- بنابراین، توسعه مفهومی عمیقا انسان-محور بوده و اجزای سیاستگذاری های مرتبط با آن فقط با همین محوریت انسان یعنی داشتن توانایی لازم برای برخورداری از آزادی قابل معنی می باشد. نتیجه مستقیم این نگرش به توسعه یافتگی توجه به شکوفایی و کمال انسانی است.

٧- توسعه نه فقط یک مفهوم، نظریه، و یا سیاستگذاری، بلکه نگرشی اخلاقی الزام آوری است که همه بازیگران در صحنه حیات شامل آحاد مردم، گروهای اجتماعی و هویتی، دولتها، جامعه جهانی، و سازمانها ی مختلف را به تعهدی پایدار به پیشبرد رفاه و زندگی شرافتمندانه از یک سو، و توسعه مفاهیم عالی مرتبط با شکوفایی یعنی توسعه انسانی دعوت می نماید.

۸- نظر بر اینکه توسعه انسانی دربرگیرنده مفهوم انسان به معنی عام آن می باشد، فراخوانی است به تعهدی جهانشمول و فراتر از همه مرزها و محدودیتهای جغرافیایی، ذهنی، نگرشی، و رویه های سیاستگذاری.

اجزای اصلی رهیافت قابلیت در جهت تحقق توسعه انسانی را می توان بطور ساده اینگونه ترسیم کرد:

برنامه عمران سازمان ملل متحد رهیافت قابلیت را که از درون چارچوبه مفهومی توسعه انسانی شکل گرفته است را به عنوان ابزاری برای توسعه یافتگی کشورهای مختلف مورد توجه قرار داده است. این ابزار مفهومی - مدیریتی که به شاخص توسعه انسانی معروف می باشد، به عنوان بدیلی درقبال نظریه های صرف اقتصادی که معیار توسعه را فقط به پارامترهای اقتصادی تقلیل می دهند، می باشد، امروزه مورد توجه علمی و سازمانی قرار گرفته است. به موجب شاخص توسعه انسانی اجرا و مواد تشکیل دهنده توسعه و رفاه انسانی نه فقط شامل اندازه گیری توان اقتصاد(بر مبنای درآمد ناخالص داخلی)، بلکه شامل آموزش و سلامت عمومی می باشد. اولین شاخص توسعه انسانی در سال 1990 ارائه شد و همه ساله با گزارشی تحت عنوان توسعه انسانی سعی می کند تصویر روشنی پیرامون موفقیت کشورها بر مبانی سه گانه رشد اقتصادی، آموزشی، و سلامت ارایه نماید. در تعدادی از کشورها، شاخص توسعه انسانی اکنون یک آمار رسمی دولتی است که نشر سالانه آن بحثهای جدی سیاسی را را همراه با تلاش های ملی و منطقه ای را برای بهبود زندگی به همراه می آورد.

در اینجاست که نقش محوری فلسفه آموزش می تواند مورد توجه قرار گیرد. اگر اعلامیه جهانی حقوق بشر اذعان می دارد که " آموزش حق همگان است"، و این حق "می‌بایست در جهت رشد همه جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی" قرار گیرد، روح حاکم بر اعلامیه جهانی حقوق بشر ضرورت تحقق عینی برخورداری مردم از آزادی را نیز الزام آور می سازد. برای برخورداری از آزادی با هدف توانمندسازی مردم، نه تنها سیاستگذاری های لازم را اجتناب ناپذیر می سازد، از همه مهمتر مستلزم فهم صحیح از مفاهیم آزادی از طریق آموزشهای صحیح می باشد. به عبارت دیگر، رابطه ای مستقیم میان قابلیت های مرکزی و آزادی های رسمی در تعیین آموزشی وجود دارد چرا که چنین رابطه ای باید بتواند قابلیتهای اساسی را ارتقا بخشد، از همه مهمتر باید زمینه را برای مشارکت مردم در حیات سیاسی و اجتماعی خویش، محیط زیست پایدار، و امنیت و حقوق انسانی و برابری جنسیتی هموار نماید. به سخن دیگر، هرچند آمارها ممکن است ارقام بالایی از افراد تحصیل کرده در مقاطع مختلف را نشان دهند، ضرورتا این آمارها بازتاب دهنده قابلیت و برخورداری مردم از آزادی های اساسی برای دستیابی به استانداردهای شرافتمندانه زندگی و تحقق حق مشارکت سیاسی در تصمیم گیری ها نیست. بلکه تحصیل کرده بودن دقیقا از طریق نقشی که آموزش می تواند در پیشبرد قابلیتهای مرکزی و در صدر آن حق انتخاب آزاد برای تعیین شیوه های مطلوب حیات انسانی شرافتمندانه بازی کند قابل ادراک است.

**ایران آکادمیا به عنوان یک مدلی برای توسعه انسانی**

#### مؤسسه ایران آکادمیا که با هدف ارتقای توانایی دانشجویان در درک و تحلیل پدیده‌ها و مسائل اجتماعی برپایه اندیشه های سنجشگر و روشمند علوم انسانی و اجتماعی در متن جهان معاصر تشکیل شده است، دقیقا می کوشد همین زمینه های ارتقای توسعه و شکوفایی انسانی را فراهم آورد. این تلاش را می توان از طریق تارنمای رسمی ایران آکادمیا دریافت که به درستی تاکید می کند که فلسفه ایجاد این موسسه آموزشی بر بنای اعلامیه جهانی حقوق بشر بویژه ماده 26 قرار دارد. طبق این ماده جامعه جهانی بر این آرزوی ناب تصریح می نماید که "هر شخصی حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود" به این دلیل واضح که برخورداری از حق آموزش از یک سو برخاسته از برابری براساس کرامت و حیثیت و نیز حقوق انسانی است، از دیگر سو حق آموزش تقویت کننده و پیش برنده آزادی های بنیادین می باشد. تنها در اینصورت است که تساوی کامل در برخورداری از حقوق برای همه امکان پذیر می شود. همان ماده 26 تاکید می کند که آموزش مایه و رکن اساسی توانمندی انسان هاست. با برخورداری از آموزش همگان می توانند استعداد های خود را ارتقا بخشند تا از مواهب زندگی بهره مند گردند. ولی گوهر اصلی ماده مذکور در تاکید بر توانمندسازی است " هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه جانبه شخصيت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد.

#### .در حقیقت، فلسفه شکل گیری ایران آکادمیا هماهنگ با اشتیاق ها جهانی برای توانمندسازی با هدف ارتقای شکوفایی انسانی بوده است. همین انگیزش به استانداردهای جهانی برای تعریف حق غیرقابل اجتناب همگان به آموزش توانسته است چایگاه این موسسه را در سمت و سوی معیارهای قابل قبول جهانی برای توسعه ملی ، و از همه مهمتر توسعه انسانی و کمال اندیشه به پیش ببرد. تاملی عمیقتر در فلسفه تاسیس ایران آکادمیا می تواند ابعاد عمیقی که موسسه می تواند به فلسفه حیات بکشاند را توضیح می دهد. طبق این فلسفه، هدف آموزش علوم اجتماعی توسعه و تعمیق ظرفیت اندیشه، روشنگری، و مهارتهای انتقادی به جهت شناخت صحیح و علمی محیط اجتماعی و یافتن راه حلهای سازنده در مواجه با موانعی است که راه را برای توانمندسازی و شکوفایی انسانی مسدود می سازند. به عبارت بهتر، هدف از آموزشهای علوم انسانی قادر ساختن دانشجویان برای دریافت عاملیت انسانی خویش و بواسطه آن تلاش برای در دست رفتن اهرم های زندگی طبق معیارهای توسعه انسانی است. یعنی ارتقای توانایی های مرتبط حیات و زندگی شرافتمندانه شامل خودآگاهی، عزت نفس، اعتماد به خویش، و بازیابی هویت اصیل و ریشه دار خود می باشد.

#### از درون چنین فلسفه آموزشی است که ایران آکادمیا آموزش علوم اجتماعی و یادگیری های عمیق را به منزله شیوه های دستیابی به زندگی مشترک از طریق احساس وابستگی به جامعه و فرهنگ و احترام به تفاوت ها ی هویتی می داند. آموزش صحیح و بدون سانسور علوم اجتماعی می تواند توانایی های دانشجویان برای برقراری ارتباطات اجتماعی، مهارتهای مرتبط با توان مذاکره کردن بر سر منافع مشترک، شناخت و تعهد به برابری تفاوتهای فرهنگی، و یادگیری شیوه های رفتار سازمانی بویژه با درنظر داشتن ضرورت ارتباطی پویا و سازنده با جهان را متعالی نماید. از همین زاویه دید است که ایران آکادمیا آموزش علوم اجتماعی را وسیله ای مناسب و کارا برای سمت و سو دادن به فرهنگ انسانی و انسان ساز دانسته و از طریق درسهای مختلف دانشجویان را به توانایی برای بکارگیری عملی در بافت اجتماعی یاری می بخشد. طبیعی است که چنین فلسفه آموزشی الگوهای رفتاری فروتنانه، اشتیاق به یادگیری، و تمایل به گفتگو و تعامل را در درون فلسفه آموزشی خود قرار می دهی. به همین جهت می توان ظرفیت ایران آکادمیا برای هماهنگی با روشهای آموزشی مورد قبول جامعه جهانی را از ویژگی های قابل توجه این نهاد آموزشی دانست.

#### افزون بر همه ویژگی های حق آموزش، بازتاب های آموزش نیز می تواند قابل توجه باشد. اعلامیه جهانی یادآوری می نماید که هرنوع نگرشی به صلح و امنیت جهانی مستلزم شناسایی و تلاش برای ارتقای حق آموزش می باشد. این نوع آوری بدیع چشم انداز جدیدی بر روی نگرش به صلح جهانی باز می گشاید که در منشور ملل متحد نادیده انگاشته بود. البته هرچند که اهمیت حقوق اعلامیه جهانی فراتر از بیان یک آرزو از سوی جامعه جهانی نیست، ولی همین تاکید بر آموزش برای "گسترش حسن تفاهم، دگرپذيری و دوستی ميان تمام ملت‌ها و تمام گروه‌های نژادی يا دينی" به جامه جهانی یادآوری می نماید که فعاليت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح بدون آموزش غیر محتمل می باشد. به عبارت دیگر نه تنها آموزش مهمترین روش توانمند سازی انسان هاست، جامعه بین المللی نیز برای داشتن ظرفیت لازم برای ایجاد حسن تفاهم و دوستی نیاز دارد با تاکید بر حق آموزش بگونه ای موثر خود را توانمند سازد.

#### بنابراین انگیزش اصلی در تاسیس ایران آکادمیا را باید در نه تنها در نیاز ضروری برای ارتقای توانایی انسان، بلکه نیازی غیر قابل اجتناب برای بهبود شرایط رفاهی و توسعه کشورها، و بی تردید در همان نگرش صلح گرایانه و کمک به گسترش دوستی، دگرپذیری، و حیات مبتنی بر صلح جستجو کرد. مخصوصا بعد از وقایع مرتبط با انتخابات سال 1388 و خبرهای نگران کننده در رابطه با اعمال محدودیت های جدی در زمینه علوم انسانی ، فکر تاسیس موسسه ای که بتواند آموزش عمیق و سنجشگر را در اختیار جوانان قرار دهد، جدی تر شده و این ضرورت را اجتناب ناپذیر ساخت که باید یک سیستم آموزشی برای همه آنانی که مسیر توانمندی هایشان مسدود شده است ایجاد شود. بازنگری حدود ۵۵۵ ماده درسی در ۴۸ رشته علوم انسانی برای آنچه که انطباق با "فرهنگ ایرانی – اسلامی" نامیده می شد، ضرورت ایجاد چنین موسسه آموزش عالی را ضروری تر ساخت. رخدادهای ناامید کننده دیگری نظیر برکناری یا شامل بازنشستگی زودرس اساتید برجسته دانشگاه ها، محرومیت از تحصیل یا ستاره دار شدن دانشجویان به لحاظ سیاسی – اجتماعی فعال، و موانع ساختاری و فرهنگی عمده در مقابل دانشجویان دختر، ایجاد شرایط مناسب برای جوانان ایرانی مشتاق یادگیری برای تغییر شرایط سخت تر ساخت. بنابراین این تعهد به تدریج به جامه عمل رسید که نهاد آموزشی برای ارتقای دانش به عنوان ابزاری ضروری توانمندسازی و شکوفایی جوانان تاسیس شود. در اجابت به چنین نیازی است که ایران آکادمیا پا به مرحله حیات گذاشت.

#### ایران آکادمیا یک موسسه آموزشی باز که فارغ از هر نوع محدودیتی می کوشد فرصت های آموزش عالی در مطالعات اجتماعی را دراختیار همه علاقه مندان و صرف نظر از هرنوع دیدگاهی که دارند فراهم آورد. دفتر اصلی و اجرایی آن در شهر لاهه هلند قرار د ارد. برنامه های آموزش ار راه دور ایران آکادمیا در حوزه مطالعات اجتماعی در سال 2014 آغاز شد. برنامه آموزشی در چارچوبه کارشناسی ارشد تنظیم شده و در طی یک دوره دوساله انجام می شود. اهم برنامه های ایران آکادمیا براساس اهداف سه گانه زیر تعریف شده است:

#### ١- تأکید بر آموزش اندیشه سنجشگر و روش‌شناسی، آشنایی با مبانی علوم انسانی و اجتماعی

#### ۲- آشنایی با شیوه تشخیص و تقریر مسائل اجتماعی و فرهنگی، آشنایی با تاریخ عقاید و نظریه ها در حوزه فرهنگ و اجتماع.

#### ٣- تحلیل، تبیین و مطالعه موردی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

### **زبان** تدریس در ایران آکادمیا فارسی است. انجام تکلیف های درسی به سایر زبان‌های رایج در ایران نیز ممکن می باشد. دانشجویان می توانند از زبان‌های خارجی رایج در انجام تکلیف های درسی استفاده کرده و یا رساله های خود را به زبانهای معتبر غیر فارسی نیز بنویسند. به دلیل اهمیت دادن به نقش سازنده آزادی انتخاب و ارتقای قابلیتهای مرکزی دانشجویان برای یادگیری و تبادل افکار و اندیشه ها، زبان تکلیف از طریق توافق استاد و دانشجو تعیین می شود. یک چنین سیاستگذاری بازتاب دهنده اهمیتی است که ایران آکادمیا به حقوق ذاتی و غیر قابل انکار دانشجویان می باشد.

### 

1. برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به : K. Tomaševski, Human rights obligations: making education available, accessible, acceptable and adaptable at https://www.right-to-education.org/sites/right-to-education.org/files/resource-attachments/Tomasevski\_Primer%203.pdf [↑](#footnote-ref-1)
2. ### Convention on the Right of the Child, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989

   [↑](#footnote-ref-2)
3. M[ahbub ul Haq](https://www.amazon.ca/Mahbub-ul-Haq/e/B001H6L4ME/ref=dp_byline_cont_book_1) (1995). *Reflections on Human Development*. Oxford University Press. [↑](#footnote-ref-3)